

آیا معتاد به واقع بیمار است؟

دکتر جاوید صلاحی - عضو هیأت علمی دانشگاه های خراسان

چندی است که در کشور ما زمره هایی در مورد بیمار بودن معتادان شنیده می شود. حتی گاهی برخی از مسئولان در مصاحبه های خود به این امر اشاره می کنند. ولی خوشبختانه هنوز این مسأله جنبه قانونی به خود نگرفته و گر نه ما نیز مانند فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی که اعتیاد را آزاد گذاشته اند، دچار نابسامانی های عدیده ای می شدیم.

به استنباط بنده که دکترای حقوق جزا و جرم شناسی خود را از فرانسه گرفته ام و شناخت نسبتاً کافی از اوضاع اجتماعی آن سرزمین دارم، علت اصلی اغتشاشات جوانان در آن کشور (و برخی از دیگر کشورهای دیگر اروپایی) آزاد گذاشتن آنان در اعتیاد به مواد مخدر است؛ زیرا گر چه شروع ناآرامی های اولیه از سوی حاشیه نشینان بوده است ولی چون جمع کثیری از جوانان و نوجوانان آن دیار به علت آزادی بیش از حد به مواد مخدر، معتاد شده اند و هیچ شغل و مسئولیتی هم ندارند، همیشه خود را در هر ناآرامی و اغتشاشی وارد کرده و می خواهند به اصطلاح از آب گل آلود ماهی بگیرند!

باید دانست قریب سی سال است که در فرانسه و اکثر کشورهای اروپایی مصرف مواد مخدر را آزاد گذاشته اند و ظاهراً دلیلش این است که پزشکان گفته اند «معتاد بیمار است و چون بیمار است نباید مجازات شود یا آزار ببیند، بلکه باید معالجه اش کرد.»

بنا بر همین استدلال معتادان را آزاد گذاشته اند که اگر خواستند شخصاً به معالجه خود بپردازند و گر نه دولت و مسئولان، دیگر با آنان کاری ندارند!

جالب این است که در همان کشورها عرضه و فروش مواد مخدر جرم است! و این حالت به اصطلاح «یک بام و دو هوا» باعث دردسر خانواده ها و تشویق بیشتر جوانان به اعتیاد گردیده است؛ به عبارت دیگر این گونه قوانین به مثابه آب به آسیاب دشمن ریختن است؛ زیرا عملاً نفعش به جیب تهیه کنندگان و فروشندگان مواد مخدر یعنی سودگران مرگ می رود. فروشندگان مزبور عملاً با به دام انداختن نوجوانان بی پول و بی اطلاع، آنان را معتاد کرده و چون پولی برای خرید مواد و رفع اعتیاد خود ندارند، از آن ها استفاده ابزاری نموده و آنان را به صورت فروشندگان افتخاری در می آورند!

در حال حاضر در اروپا چنین وضعی وجود دارد و هیچ کس هم نمی تواند از آن پیش گیری نماید. این مسأله من را در دهه ۱۹۸۰ که دوره فوق دکترای جرم شناسی را در فرانسه می گذراندم، متوجه شدم. جریان بدین قرار است که یک نوجوان ۱۷ ساله با ارسال نامه ای سرگشاده به روزنامه کثیرالانتشار «فرانس سوآر» پرده از این ماجرا برداشت. نامبرده که در سال آخر دبیرستان بود نوشت «دوستان مرا در جریان یک جشن تولد به هروئین معتاد کردند و چون پول برای خرید آن نداشتم چند روزی به طور مجانی از من پذیرایی نمودند ولی پس از این که کاملاً آلوده شدم و ترکش برایم ممکن نبود، آن دیگر کسی به من مواد نرساند. یکی از همان به اصطلاح دوستان! مرا راهنمایی کرد تا برای تهیه مواد مجانی به آدرسی که کاملاً محرمانه بود، مراجعه کنم. حتی اجازه یادداشت کردن شماره پلاک یا تلفن را هم نداد و گفت که نباید بنویسی تا اگر گیر پلیس افتادی آن ها مدرکی برای کشف این محل نداشته باشند.

من هم به ناچار قبول کردم و پس از مراجعه به آن نشانی، آپارتمان بسیار شیکی دیدیم که یک منشی با تلفن به گونه ای رمزی معاملات سرّی انجام می داد. رئیس دستگاه تا مرا دید پرسید معتادی؟ و با جواب مثبت من گفت چون پولی برای خرید مواد نداری باید روزانه برای ما مواد بفروشی تا آخر شب مقداری جهت رفع اعتیادت به تو مجانی بدهیم!

من هم که چاره دیگری نداشتم، پذیرفتم و شدم فروشنده مجانی و افتخاری! دیگر کلاس درس و مطالعه را کنار گذاشتم و مشغول فعالیت در این راه شدم تا این که یک شب، مادرم که کارگر شب کار کارخانه بود، مرا در حال تزریق هروئین غافلگیر کرد و کشان کشان با قطار شب رو، به شهرکی در نزدیکی پاریس برد که منزل خاله من در آن جا بود و من حالا جرأت ندارم نام آن شهر کوچک را بنویسم!

آن ها دو نفری مرا در اطاقی در بسته انداختند و فقط از پنجره به من آب و غذا می دادند و پس از سه روز پر مشقت من ترک اعتیاد کردم و به حال عادی بازگشتم. اینک مادرم از من خواسته است که این نامه سرگشاده را برای مسئولان دولتی، وکلای مجلس، و صاحبان اندیشه بنویسم تا بدانند با این قانون کذایی چه بلایی به سر ما جوانان آورده اند!»

حال با دانستن این جریان می توان فهمید چرا سوداگران مرگ در کشور ما با تجهیزات جنگی، اسلحه و مهمات، مواد مخدر را از شرق می آورند و با نیروهای انتظامی ما می جنگند تا بتوانند از مرزهای غربی آن مواد را به اروپا

برسانند؟ زیرا در آن جا با مقدماتی که بیان شد، به آسانی مواد مخدر را با طلا معاوضه می کنند! اصطلاح «مثلت طلایی» نیز که شامل چند کشور اروپای غربی است از همین جا پیدا شده است. علت اغتشاشات سال گذشته فرانسه- که اخیراً هم تکرار شد- در اشتباهات قانون گذاری این کشور است که خواسته اند جوانان را کاملاً آزاد بگذارند و با این بهانه که پزشکان گفته اند «معتاد بیمار است» کاری به معتادان نداشته باشند!

به همین علت جوانان آن ها گروه گروه به اعتیاد روی آورده و سال به سال این مسأله گسترش بیشتری یافته و چون ظاهراً به صورت «حقوق مکتسبه» برای معتادان در آمده، دولت ها هم دیگر نمی توانند این امتیاز را از جوانان خود بگیرند!

ولی اگر منصفانه و منطقاً بررسی نماییم متوجه می شویم که معتاد نه تنها مریض نیست، بلکه احتمالاً مجرم دوبله است؛ زیرا می دانیم در علم جرم شناسی هر کسی به هر صورت موجبات لطمه، صدمه و خسارت مادی یا معنوی برای جامعه یا دیگران فراهم کند، مجرم است؛ ولو این که در قانون برایش مجازاتی پیش بینی نشده باشد. معتاد هم اولین جرمش این است که یک واحد کاری را با اعتیاد خود از بین می برد و آن هم کسی نیست جز خودش! زیرا جامعه شناسان و حقوق دانان به خوبی می دانند که طبق یک قراردادی نانوشته به نام «قرارداد اجتماعی» که «ژان ژاک روسو» فیلسوف فرانسوی آن را به این نام بیان کرده است، هر کس که در یک جامعه زندگی می کند؛ چون از مواهب اجتماعی که مهم ترینش امنیت و آزادی است بهره مند می شود، وظیفه دارد به نوبه خود و در حد توانش به جامعه خدمت کند. پس معتاد که بر اثر این عارضه توان کاری خود را از دست می دهد و به عنصری سربرار و مصرف کننده تبدیل می شود، به جامعه خیانت می کند نه خدمت!

ضمناً می دانیم معتادان پس از مدتی که توان کار کردن را از دست می دهند؛ چون اعتیاد و احتیاجشان به مواد مخدر بیشتر می شود و درآمدی هم ندارند، به ناچار مرتکب جرایم دیگری چون سرقت، جیب بری، کیف قاپی، کلاهبرداری و فروش مواد مخدر می شوند و این جرم دوبله ای است که قابل اغماض نخواهد بود. البته ظاهراً آن دسته از پزشکان و زیست شناسان که گفته اند معتاد بیمار است، درست گفته اند؛ زیرا اعتیاد عوارضی دارد که بسیار شبیه ذکام و آنفولانزاست ولی این مریض با مریض های عادی به طور بسیار متفاوت است. به عبارت دیگر بیمار قابل ترحم، کسی است که میکروب را نمی بیند، نمی شناسد و به طور ناگهانی توسط آن دچار درد و مرض می شود. چنین بیماری طبعاً از این مرض خود رنج می برد و سریعاً به پزشک مراجعه می کند تا آن را درمان نماید.

ولی معتاد کسی است که مواد را می بیند، می شناسد، انتخاب می کند، می خرد و خود را آلوده و بیمار می سازد. پس می بینیم که این فرد یک مریض خود خواسته است نه ناخواسته! و هیچ عقل سلیمی نسبت به چنین کسی که جامعه را آلوده می کند و خود را هم به رنج و زحمت می اندازد، ترحم نمی کند. حال اگر نمی خواهیم معتادان را مجازات کنیم و به زندان محکوم نماییم لاقلاً باید برای حفظ جامعه از شر این افراد، آنان را در اردوگاه های کار نگهداری کنیم تا هم به ترک اعتیاد مجبور شوند و هم حرفه یا کار مناسبی فرا گیرند تا بعد از چند ماه یا چند سال به کمک شغلی شرافتمندانه بتوانند زندگی خود و خانواده را تأمین نمایند.